چهره سخت قدرت روسیه در غرب آسیا نمایان‌تر می‌شود

تنها گزینه باقی مانده برای روس‌ها

رویکرد
دکتر سید نعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده

این روزها خبرهای زیادی از تحرک جدید نظامی روسیه در سوریه شنیده می‌شود که عمده این خبرها مربوط می‌شود به تأسیس و توسعه یک پایگاه هوایی در نزدیکی فرودگاه شهر لاذقیه، جدای از تحرکات نظامی که نیروهای روسیه در فرودگاه نظامی حمیدیه واقع در شهر طرطوس داشته‌اند. هر چند مقام‌های روسیه از جمله ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه و سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، این تحرکات را عادی و طبق قراردادهای قبلی بین دو کشور دانسته‌اند اما به نظر نمی‌رسد طرف‌های غربی از توضیحات آنها قانع شده باشند؛ چراکه در این مدت واکنش‌های تند و تیزی داشته‌اند. در هر صورت، یک نکته مسلم است و آن ورود مستقیم روسیه در بحران سوریه که به این جهت می‌توان از یک تغییر اساسی در راهبرد مسکو نسبت به بحران سوریه گفت؛ بحرانی که با گذشت پنج سال از آن مبدل به بازی بزرگ خاورمیانه شده است. حالا باید دید که مسکو در وهله نخست چه دلیلی برای تغییر راهبرد خود در این بازی داشته و بعد، راهبرد جدید روسیه چگونه است تا آن که بتوان از دورنما و آثار این تغییر راهبرد گفت.

■ قدرت نرم

به طور کلی، روسیه از ابتدای بحران سوریه از موضع قدرت نرم به این بحران نگاه می‌کند. این موضع بیش از هر جایی در شورای امنیت کارایی داشت که روسیه به همراه چین نظر مشترکی به پرونده روسیه داشتند. هنگامی که نماینده اتحادیه عرب با حمایت امریکا، بریتانیا و فرانسه پیش‌نویس قطعنامه‌ای را در فوریه ۲۰۱۲ به شورای امنیت ارائه کردند، نماینده‌های روسیه و چین با رأی منفی خود آن قطعنامه را وتو کردند تا بهانه‌ای به دست جبهه متحد غربی- عربی برای مداخله در بحران سوریه نداده باشند. اصل منطق مسکو در به کار بستن قدرت نرم بر این مدار بود که تجربه لیبی به روشنی نحوه مداخله‌جویی غرب را نشان داد که تنها با تمسک و تفسیر به رأی خود از قطعنامه شورای امنیت چگونه از قدرت نظامی برای بسط تسلط در منطقه استفاده می‌کند. بنابر این، مسکو نمی‌خواست به طرف غربی اجازه دهد از کانال شورای امنیت به اقدام خود مشروعیت دهد. یک وجه دیگر از نگاه روسیه به قدرت نرم در بحران سوریه مربوط می‌شد به برقرار کردن ارتباط با طرف‌های مخالف نظام سوریه تا آنها را راضی به گفت‌وگو برای یافتن راه‌حل سیاسی کند. رهاورد این وجه در نهایت منجر شد به دو دوره مذاکرات در مسکو که به مسکو یک و ۲ مشهور شدند. مسکو یک در نیمه ژانویه و بعد از سلسله نشست‌های ژنو به راه افتاد، نشست‌هایی که به ابتکار اخضر ابراهیمی، نماینده وقت سازمان ملل در بحران سوریه، برگزار شدند اما در عمل به نتیجه مشخصی ختم نشدند. روسیه با توجه به شکست برنامه ابراهیمی مذاکرات مسکو را پیش کشید تا آن که ابتکار عمل را در گفت‌وگوی ملی طرف‌های سوریه از نمایندگان معارضان و دولت را به دست بگیرد.

■ تغییر راهبرد

مسکو در مجموع فرایند استفاده از قدرت نرم در بحران سوریه دو هدف عمده را دنبال کرده است. هدف نخست بیشتر در حدود حفظ توازن قوا در داخل سوریه و بر این اساس بود که به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اجازه مداخله مستقیم نظامی در سوریه ندهد. به همین جهت بود که مقام‌های روس مدام سناریو لیبی را در بحران سوریه متذکر می‌شدند به این معنا که به هیچ قیمت حاضر به تکرار آن سناریو در سوریه نیستند. هدف دوم مسکو، به کار بردن دیپلماسی بود تا به نحوی معارضان یا دست‌کم بخش میانه‌روی آن را قانع به فرایند گفت‌وگو با دولت سوریه و رسیدن به راه‌حل سیاسی کند. هر چند برگزاری مسکو یک و ۲ نشانه‌هایی از نزدیک شدن به این هدف را آشکار کرد و شخصیت‌های معارض بیشتری در مسکو ۲ شرکت کردند، اما از اول هم معلوم بود که رسیدن به این هدف کار آسانی نیست و احتیاج به پروسه زمانی طولانی‌مدت دارد در حالی که وضعیت سوریه و تغییرات شکل گرفته در آن به هیچ صورت جوابگوی این پروسه طولانی‌مدت نیست. مهم‌ترین محور این وضعیت، قدرت گرفتن داعش در سوریه است که باعث شده چینش نیروهای داخلی و نگاه خارجی در برخورد با این بحران در طول یک سال اخیر به طور کلی تغییر کند. از لحاظ داخلی، داعش به دلیل جذب نیروهای رقیب نه تنها مبدل به مهم‌ترین گروه مسلح در سوریه شده بلکه با توجه به تسلط بر بخش‌هایی از خاک عراق، باید آن را بزرگ‌ترین گروه تروریستی سازمان یافته در سطح جهانی دانست. سرعت قدرت گرفتن این گروه تا حدی است که ایمن الظواهری، رهبر القاعده، در دو پیام صوتی اخیر خود از داعش درخواست اتحاد و همکاری داشته است. این درخواست با توجه به مخالفت‌های سابق او با داعش، به خصوص خلیفه خودخوانده آن، ابوبکر البغدادی، قابل توجه بوده و حاکی از عقب‌نشینی رهبری القاعده در برابر داعش است. از لحاظ خارجی، امریکا طی یک سال اخیر و با تشکیل ائتلافی تحت عنوان مبارزه با داعش، دامنه عملیات جنگنده‌های خود را به خاک سوریه کشانده است. این مداخله نظامی امریکا و متحدان غربی- عربی، هر چند به نام مبارزه با داعش است اما از نظر مسکو نمی‌تواند به دور از هدف اصلی این جبهه علیه نظام سوریه باشد. هر دو وجه داخلی و خارجی از بحران سوریه باعث می‌شود روسیه راهبرد استفاده از قدرت نرم را به سمت قدرت سخت تغییر دهد؛ چراکه از یک سو حضور شهروندان چچنی یا داغستانی خود در میان گروه‌های تروریستی حاضر در سوریه را تهدید مستقیم علیه امنیت ملی خود می‌داند و از سوی دیگر، مداخله نظامی رقبای غربی در خاک سوریه را بسط سلطه‌جویی آنان در خاورمیانه می‌بینند.

■ ورود مستقیم به بازی بزرگ

تنها گزینه موجود برای روسیه ورود مستقیم به بازی بزرگ خاورمیانه در سوریه است تا بتواند به دو هدف خود از مبارزه با تروریسم و کنترل مداخله‌جویی رقبای غربی در خاورمیانه برسد. این گزینه برخلاف استراتژی قبلی مسکو در قبال سوریه است که تنها محدود به استفاده از قدرت نرم می‌شد. شرایط در سوریه آنچنان تغییر کرده که مسکو دیگر نمی‌تواند در حاشیه و تنها به قدرت نرم خود قناعت کند و برای ایجاد توازن برای تأمین منافع ملی، چاره‌ای جز ورود نظامی ندارد. پوتین و دیگر همکاران او، بارها لزوم مبارزه با تروریسم را مطرح کرده‌اند تا سرفصل اصلی آنها برای انتخاب این گزینه و تغییر راهبردشان در قبال بحران سوریه باشد. آنها برای رسیدن به هدف دوم، از لزوم همکاری بین‌المللی می‌گویند. سرگئی لاوروف، چندی پیش در تماس تلفنی با جان کری همتای امریکایی، خواستار ملاقات با او در حاشیه اجلاس سازمان ملل شد تا در مورد تحرکات نظامی روسیه در سوریه به او توضیح بدهد. حالا دیمیتری پسکوف، سخنگوی کاخ کرملین، خواستار دیدار و گفت‌وگوی پوتین با باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا شده و می‌گوید: «ما همیشه گفته‌ایم که به هیچ وجه دیالوگ را کنار نمی‌گذاریم و باور داریم که دیالوگ یک ابزار مورد نیاز برای بیان مواضع یکدیگر و دست یافتن به اجماع و تفاهم است». مسکو با این موضع هم سعی در مشروعیت بخشی به این گزینه دارد و هم آن که با ایجاد همکاری بین‌المللی در سوریه برای مبارزه با داعش، مانع تک‌روی امریکا شده و مداخله نظامی ائتلاف امریکایی را کنترل کند. قرار است پوتین نیمه سپتامبر ۲۰۱۵ در هفتادمین اجلاس عمومی سازمان ملل سخنرانی کند. انتظار می‌رود او نقطه نظر خود را در مورد ورود مستقیم مسکو به بحران سوریه با این دو سرفصل بیان کند. این سخنرانی می‌تواند اعلام موضع صریح و تعیین‌کننده مسکو در قبال این بحران باشد که از یک تریبون جهانی اعلام شده و حتی گفته می‌شود که سرعت عمل نظامیان روسی در فرودگاه لاذقیه نیز در جهت فراهم شدن مقدمات میدانی برای آن سخنرانی است تا پوتین با اعلام، رقبای غربی را در برابر عمل انجام شده قرار دهد. در هر صورت، مسکو با تغییر راهبرد در بازی بزرگ خاورمیانه نشان می‌دهد که در برابر مداخله‌جویی غرب در این بازی نقش تعیین‌کننده‌ای را به عهده می‌گیرد و البته روشن است که سرنوشت این بازی و شاید چهره سیاسی خاورمیانه در بعد از این بسته به این نقش است.

دیپلماسی
روح‌الله صالحی

نتانیاهو به دنبال امان نامه پوتین!

پس از تقویت بی‌سابقه قوای نظامی روسیه در سوریه، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی احساس خطر کرد و برای دریافت تضمین‌های امنیتی به مسکو سفر نمود تا بتواند اطمینان رئیس‌جمهور روسیه را برای بر هم نخوردن موازنه نظامی به خصوص در بلندی‌های جولان کسب کند. پوتین در دیدار با نتانیاهو اطمینان داد که حضور روسیه در سوریه تهدیدی برای اسرائیل نیست.

این روزها حضور تمام عیار نظامی روسیه در سوریه به نگرانی کشورهای حامی تروریست و مخالفان دولت سوریه تبدیل شده است. در پنج سال بحران سوریه کشورهای غربی و متحدان آنها به ویژه رژیم صهیونیستی با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی تروریست‌ها را در برابر دولت دمشق مجهز کردند تا بتوانند با سرنگونی بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، محور مقاومت در منطقه را تضعیف کرده و اهداف عملی نشده خود در خاورمیانه را به پیش ببرند. دشمنان سوریه در چهار سال گذشته با این تصور که از طریق کمک تروریست‌ها و جنگ نیابتی نقشه‌های خود را در سوریه به اجرا بگذارند، با ابزارهای مالی و تسلیحاتی گروه‌های تروریستی در سوریه را تقویت کردند. ولی در هفته‌های اخیر تحولی در سوریه رخ داد که نگرانی‌ها را در جبهه غربی – عبری افزایش داد و آن حضور گسترده نظامی روسیه در سوریه بود. اقدام راهبردی روسیه در سوریه در عرصه‌های سیاسی و نظامی با واکنش گسترده غرب مواجه شده است. به ویژه آنکه تصمیم مسکو زمانی اتخاذ شده که اقدام امریکا در آموزش نظامی مخالفان سوری، به نتیجه مشخصی نرسیده است. گسترش بی‌سابقه حضور نظامی روسیه، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را بر آن داشت تا با دو تن از مقامات بلندپایه امنیتی خود به مسکو سفر کند. حضور نظامی روسیه در سوریه برای اولین بار از سوی منابع اسرائیلی مطرح شد و بیانگر این بود که صهیونیست‌ها همه تحرکات نظامی در کنار مرزهای سرزمین‌های اشغالی را به خوبی رصد می‌کنند. نتانیاهو دوشنبه هفته گذشته به مسکو سفر کرد و در دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه نگرانی تل‌آویو را از حضور نظامی روسیه در سوریه به مقامات کرملین ابراز کرد. هرچند جزئیات این گفت‌وگوها منتشر نشده ولی نتانیاهو در این دیدار محورهای مختلفی را مدنظر قرار داده است.

■ هواپیماهای ما را نزنید

با توجه به اینکه حضور نیروی هوایی روسیه در آسمان سوریه می‌تواند به درگیری نیروهای هوایی دو طرف منجر شود، نتانیاهو تلاش کرده به هماهنگی‌هایی در این زمینه دست پیدا کند تا از خطر رویارویی جنگنده‌های هوایی روسیه و رژیم صهیونیستی جلوگیری کند. به باور برخی ناظران، سفر نتانیاهو به روسیه تنها به دلیل هماهنگی بیشتر با مواضع مسکو و جلوگیری از درگیری احتمالی بالگردهای اسرائیلی با بالگردهای روسی در مناطق هم مرز اسرائیل و سوریه است؛ چراکه مقامات تل‌آویو به دنبال ایجاد هماهنگی با مسکو برای حفاظت از حریم هوایی خود و جلوگیری از وقوع حوادث غیرمترقبه هستند. بر اساس گزارش پایگاه خبری- تحلیلی میدل ایست آی، مقامات نظامی اسرائیل از این می‌ترسند که حضور هوایی روسیه در سوریه، قدرت مانور هوایی اسرائیل را در مرز با سوریه کاهش دهد. ارتش اسرائیل در ماه‌های اخیر بدون هیچگونه محدودیتی و به بهانه مقابله با تهدیدات تروریستی بارها کاروان‌های نظامی حزب‌الله و ارتش سوریه را مورد هدف قرار داده است ولی حضور جنگنده‌های روسیه می‌تواند این قدرت مانور را از بین ببرد.

■ دریافت تضمین امنیتی برای تل‌آویو

یک هدف عمده سفر نتانیاهو به مسکو دریافت تضمین‌های امنیتی از جانب مسکو بوده است. نتانیاهو در این سفر از پوتین خواسته است که مرزهای سرزمین‌های اشغالی از جانب نیروهای روسی و سوری تهدید نخواهد شد. باتوجه به اینکه حضور روسیه ارتش سوریه را در مقابل تروریست‌ها تقویت خواهد کرد می‌تواند تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی را تشدید کند. تل‌آویو در مرزهای خود با سوریه در جولان اشغالی همواره احساس خطر کرده و بارها نیروهای نظامی دو طرف با یکدیگر درگیر شده‌اند و به این واقف است که حضور نظامی روسیه نه تنها معادلات در سوریه بلکه معادلات در خاورمیانه را تغییر خواهد داد و این مسئله سبب خواهد شد تا ارتش سوریه همچون گذشته اقتدار خود را بازیابد و این مسئله تهدیدی برای اسرائیل است. با توجه به اینکه اسرائیل توان رویارویی با روسیه را ندارد سعی دارد از این مسئله اطمینان حاصل کند که جبهه جدیدی از سوی نیروهای مقاومت علیه اسرائیل در جولان اشغالی گشوده نخواهد شد. پوتین در دیدار با نتانیاهو تأکید کرد که دمشق در پی ایجاد جبهه تازه‌ای در جولان نیست و مسئولان سوری فقط قصد دارند کشور خود را حفظ کنند. شروع ناآرامی‌ها در سوریه از مارس ۲۰۱۱، فرصت مناسبی برای اسرائیل فراهم کرد تا نقشه‌های ضد مقاومت خود را عملی کند ولی حضور نظامی روسیه می‌تواند به آرزوهای تل‌آویو در سوریه پایان دهد.

■ به حزب‌الله سلاح ندهید

رژیم صهیونیستی همواره با افزایش قدرت حزب‌الله لبنان در منطقه مخالف بوده و آن را تهدیدی امنیتی برای حفظ بقای خود می‌داند. از آنجا که حضور نظامی روسیه در سوریه برای تقویت نیروهای ارتش سوریه و حتی نیروهای حزب‌الله که در جنگ سوریه نقش مهمی ایفا می‌کنند، است از این‌رو نتانیاهو سعی دارد تضمین پوتین را برای نرسیدن سلاح‌های پیشرفته روسی به حزب‌الله کسب کند.

پایگاه اینترنتی رژیم صهیونیستی هفته گذشته در بیانیه‌ای اعلام کرده بود نتانیاهو در این سفر نگرانی عمیق خود را از ارسال تسلیحات مدرن به سوریه اعلام خواهد کرد؛ چراکه ممکن است این سلاح‌ها به دست گروه‌های تروریستی یا حزب‌الله بیفتد. ابراز نگرانی رژیم صهیونیستی از احتمال دستیابی گروه‌های تروریستی به تسلیحات روسی در حالی به عنوان بهانه سفر نتانیاهو به روسیه اعلام شده که در سال‌های اخیر اسناد و تصاویر زیادی از کمک‌های این رژیم به گروه‌های تروریستی در سوریه منتشر شده است. از کمک‌های لجستیکی و اطلاعاتی گرفته تا مداوای تروریست‌های زخمی در بیمارستان‌های اسرائیل همگی گواه این مسئله است که اسرائیل و تروریست‌ها در یک جبهه نبرد علیه دولت سوریه هستند. از طرفی، باتوجه به روابط گسترده رژیم‌های عربی حوزه خلیج فارس با اسرائیل، سرنگونی دولت سوریه امنیت سرزمین‌های اشغالی را تا کنار مرزهای ایران گسترش خواهد داد و تل‌آویو بدون هیچ نگرانی ابتکار عمل بیشتری در منطقه خواهد داشت و به همین منظور سعی در حذف دولت سوریه از مدار مقاومت را دارد.

■ نگرانی از ورود ایران به ائتلاف ضد تروریسم

دلیل دیگری که در سفر نتانیاهو بیشتر به چشم می‌خورد ترس از ورود نظامی ایران به ائتلاف ضد تروریستی روسیه در سوریه است. باتوجه به اینکه ایران و روسیه در سوریه موضع مشترکی داشته و هماهنگی‌های زیادی بین آنها وجود دارد اسرائیل نگران است که ایران با ورود به این ائتلاف به مرزهای سرزمین‌های اشغالی نزدیک شده و محور مقاومت را بیش از پیش تقویت کند.

■ نگرانی از ارسال اس ۳۰۰ به سوریه

اعلام تحویل موشک‌های اس ۳۰۰ روسی به سوریه، ترس و وحشت را در سرزمین‌های اشغالی تشدید کرده و مقامات صهیونیستی نگران این موضوع هستند که ارسال چنین موشک‌هایی به سوریه موازنه منطقه‌ای را به نفع محور مقاومت تغییر دهد. در ماه‌های اخیر مقامات کرملین اعلام کرده‌اند که در صورت نیاز این موشک‌ها را به دولت سوریه ارسال خواهند کرد. نتانیاهو سعی می‌کند مطمئن شود که این سامانه‌ها به دمشق تحویل داده نخواهند شد. هرچند پوتین به مقامات اسرائیل تضمین داده که حضور روسیه در سوریه تهدیدی برای آنها نیست اما حضور نظامی مسکو برای تقویت جبهه مقاومت در برابر تروریست‌هاست و با پیروزی نهایی بر تروریست‌ها، سوریه همچون سابق یکی از اضلاع قدرتمند محور مقاومت باقی خواهد ماند و کابوس مقامات رژیم‌صهیونیستی همچنان پابرجا خواهد ماند.

اعراب به دنبال موازنه مقابل ایران هستند

مسیر اسرائیلی ارتش مشترک عربی

دورنما
دکتر سید رضا میرطاهر

مسئله تشکیل ارتش مشترک عربی در ماه‌های اخیر به ویژه پس از موافقت سران عرب با تشکیل آن در اجلاس شرم‌الشیخ در فروردین ۱۳۹۴ جنبه عملی به‌خود گرفت و در مراحل بعد با برگزاری دو نشست مهم سران ارتش‌های کشورهای عربی در اردیبهشت و خرداد در قاهره و در نهایت اعلام زمان مرداد ۱۳۹۴ به عنوان زمان تشکیل این نیروی عربی وارد مرحله جدیدی شده است. با توجه به آثار و نتایج تشکیل این نیروی نظامی و مداخلات احتمالی آن در خاورمیانه و شمال آفریقا به نظر می‌رسد پرداختن به این پدیده و زمینه‌ها و روند شکل‌گیری و چالش‌های احتمالی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

■ زمینه‌ها و روند شکل‌گیری

با توجه به تحولات چند ساله اخیر در جهان عرب به ویژه بروز قیام‌های مردمی در برخی از این کشورها و نیز پیدایش و گسترش فعالیت گروه‌های تروریستی تکفیری به ویژه داعش در منطقه خاورمیانه، کشورهای عربی در قالب اتحادیه عرب و با سرکردگی مصر و عربستان سعودی درصدد ایجاد یک ارتش مشترک با هدف مداخله در کشورهای بحران‌زده عربی هستند. پیشینه این ایده سال‌ها پیش یعنی زمان حکومت «جمال عبدالناصر» رئیس‌جمهوری مصر در دهه ۱۹۵۰ در فرایندهایی نظیر اتحاد این کشور با سوریه به مرحله عمل نزدیک و در بحران‌هایی چون جنگ خلیج فارس در ابتدای دهه ۱۹۹۰ به شکلی جدی مطرح شد اما به دلیل شرایط زمانی و واقعیت‌های منطقه‌ای هرگز به انجام نرسید. بدین ترتیب در حالی که بسیاری از کشورهای عربی در یکی از دشوارترین موقعیت‌های زمانی در تاریخ کوتاه و چندده ساله خود قرار گرفته‌اند، باز هم این ایده به محوری برای رایزنی آنها تبدیل شده است. در این پیوند، برخی رسانه‌ها در پاییز ۱۳۹۳ از نشست مقام‌های عربستان سعودی، مصر، کویت و امارات متحده عربی برای زمینه‌سازی تشکیل یک ائتلاف نظامی دائمی یا نوعی ارتش مشترک خبر دادند. در آبان ۱۳۹۳ (نوامبر) ۲۰۱۴ اعلام شد مسئولان مصری باشد وارد عمل خواهد شد. عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور مصر و رئیس دوره‌ای اتحادیه عرب در پایان اجلاس تأکید کرد که تیمی برجسته با نظارت رؤسای ستاد نیروهای مسلح کشورهای عضو اتحادیه عرب به منظور بررسی راهکارها و نحوه تشکیل نیروی عربی مشترک و مأموریت‌های آن تشکیل خواهد شد. سران عرب نبیل العربی دبیرکل اتحادیه را مأمور کردند موضوع برنامه‌ریزی و هماهنگی تشکیل نیروی مشترک و ارائه گزارش آن ظرف سه ماه آینده به شورای دفاع مشترک عربی را دنبال کند. این درحالی است که مقام‌های عراقی با تشکیل نیروی عربی مشترک بدون وجود ضمانت‌های مورد نظر آنان موافقت نکردند. سران اتحادیه عرب همچنین تأکید کردند که تجاوز به یمن که از ۶ فروردین با حملات هوایی عربستان سعودی و چند کشور عربی با حمایت امریکا و رژیم‌صهیونیستی آغاز شد، ادامه می‌یابد. کشورهای عربی حمله نظامی مشترک خود به یمن را آزمایشی برای تشکیل ارتش عربی مشترک می‌دانند. نمایندگان ۲۱ کشور از مجموع ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب از جمله محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با طرح مصری تشکیل ارتش عربی مصر موافقت کردند. شایان ذکر است که کرسی سوریه در اتحادیه عرب همچنان خالی است.

■ ابعاد نیروی نظامی مشترک عربی

مقام‌های نظامی و امنیتی مصر اعلام کرده‌اند نیروی نظامی مشترک عربی از ۴۰ هزار نیروی زبده تشکیل خواهد شد و سرفرماندهی آن در ریاض یا قاهره خواهد بود. این نیرو از حمایت هواپیماها و ناوهای جنگی در کنار ادوات زرهی سبک برخوردار خواهد بود. با این حال بعید است همه ۲۲ عضو اتحادیه عرب در این نیروی نظامی مشارکت کنند. پروتکل تشکیل نیروی مشترک عربی بر این اساس است که مشارکت در این نیرو اختیاری است و اساس آن نیروی زمینی می‌باشد اما هنگام نیاز می‌توان با نیروی هوایی یا دریایی از آن حمایت به عمل آورد. هر کشوری از کشورهای عربی که این پروتکل را امضا کند میزان مشارکت نیروهای خود را نیز مشخص می‌کند. این نیروها در کشورهای خود حضور دارند و در آینده برای آموزش‌های مشترک که شورای دفاع مشترک متشکل از وزرای دفاع و

و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در حال بررسی چگونگی ایجاد پیمان نظامی مشترکی برای رویارویی با گروه‌های تندرو در منطقه به ویژه در لیبی و یمن هستند که درچارچوب آن ضمن تبادل اطلاعات نظامی و امنیتی با یکدیگر، توانایی استقرار یگان‌های زمینی در دیگر کشورهای منطقه را نیز داشته باشد. این پیمان جدای از پیمان نظامی‌ای خواهد بود که امریکا برای مبارزه با داعش ایجاد کرده است. دستاوردهای ایجاد چنین پیمانی برای کشورهای عضو به ویژه مصر بسیار قابل ملاحظه است. در چارچوب این توافقات، عربستان سعودی حمایت مالی از قراردادهای تسلیحاتی مصر را به‌عهده می‌گیرد. از جمله گفته می‌شود عربستان تأمین مالی قراردادهای تسلیحاتی مصر با روسیه را بر عهده گرفته است و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری نیز آماده حمایت مالی از دیگر قراردادهای تسلیحاتی مصر و همچنین تأمین مالی قراردادهای واردات انرژی مصر هستند. تاکنون به صورت رسمی اعلام نشده است که این پیمان در چه چارچوب و تحت چه عنوانی خواهد بود اما نشانه‌ها حاکی از آن است که بحث درباره تشکیل آن در دیدار فرماندهان کشورهای عضو پیمان بین‌المللی مبارزه با داعش که در نیمه اکتبر ۲۰۱۴ در واشنگتن گرد هم آمدند، صورت گرفته است.

■ تصویب نشست شرم‌الشیخ

سران کشورهای عضو اتحادیه عرب در نشست خود در شرم‌الشیخ در ۹ فروردین ۱۳۹۴ (۲۱ مارس ۲۰۱۵) برای تشکیل نیروی نظامی مشترک عربی به توافق رسیدند. در بیانیه پایانی نشست دو روزه سران اتحادیه عرب در شرم‌الشیخ مصر، هدف از تشکیل نیروی مشترک، مقابله با خطرات، حفاظت و دفاع از امنیت و آینده جهان عرب عنوان شده است. بر اساس قطعنامه‌ای که در نشست سران عرب به تصویب رسید، این نیروی نظامی به درخواست هر کشور عربی که امنیت ملی‌اش به خطر افتاده خارجه اعراب آن را مشخص می‌کند، گردهم می‌آیند. یک فرماندهی مشترک برای این نیروها به مدت دو سال و یک فرمانده برای عملیات‌ها انتخاب می‌شود. این نیروی مشترک جز با درخواست کشور وارد هیچ درگیری نمی‌شود و احتمالاً مشابه نیروهای حافظ صلح باشد.

■ موضع اسرائیل و امریکا

روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» پس از اعلام توافق سران عربی با تشکیل ارتش عربی نوشت: تحقق ارتش مشترک عربی نه تنها نگرانی را برنخواهد انگیخت بلکه به دلیل جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در منطقه موجب خرسندی تل‌آویو خواهد شد زیرا کشورهای عربی مجبورند در فرایند ایجاد چنین ارتشی امنیت اسرائیل را مورد توجه قرار دهند. به این ترتیب بدون آنکه در شکل دهی به ارتش عربی کسی از اسرائیل دعوت کرده باشد، اسرائیلی‌ها سهم بالایی در آن خواهند داشت. بدین ترتیب اسرائیل مخالفتی با تشکیل ارتش عربی ندارد، زیرا مقابله با ایران و متحدان ایران بخشی از سیاست منطقه‌ای آن است. اما اگر زمانی این ارتش بخواهد رو در روی اسرائیل قرار گیرد، قطعاً هم اسرائیل و هم امریکا مخالفت خواهند کرد. اما در شرایط فعلی که کشورهای عربی عمدتاً نگاه بیطرفانه یا خنثی‌ای نسبت به اسرائیل دارند و جبهه مخالف خود را اسرائیل قلمداد نکرده‌اند، رژیم‌صهیونیستی نیز مخالفتی با آن نخواهد داشت.

اشتون کارتر، وزیر دفاع ایالات‌متحده از این طرح با عنوان یک طرح مطلوب یاد کرده است. از دیدگاه امریکا اجرای طرح ارتش عربی می‌تواند به کاهش اتکای به غرب برای صیانت از کشورهای عربی به ویژه در حوزه خلیج فارس منجر شود. اگر چنین ارتشی تشکیل شود امریکا قطعاً خواهد توانست از طریق نفوذ بین رهبران این کشورها، هدایت و کنترل این ارتش را از پشت در دست بگیرد، یعنی امریکا با هزینه کمتر، منافع خود را در منطقه پیگیری کند. بنابراین امریکا و کشورهای اروپایی از این ارتش حمایت خواهند کرد.